

## کتاب

مگر شما گدایید  
که تخفیف می خواهید؟

آقای هاشمی در جلسه رسمی با گورباچف رو به من گفت: مگر نظر شما چیست؟ از آنجا که در رژیم پهلوی گاز را با تخفیف حدود ۵۰ درصدی به شوروی باج‌گونه می‌فروختند، من به آقای هاشمی گفتم: ما می‌گوییم باید قیمت‌های بین‌المللی گاز مینا باشد. سپس آقای هاشمی نظر طرف مقابل را جویا شد. کاتاشف بحث تخفیف و اینکه یک بار قطع صادرات از ایران به شوروی لطمه زده است، مطرح کرد. آقای هاشمی با اوقات تلخی به گورباچف گفت: «مگر شما گدایید که تخفیف می‌خواهید؟» آقای ولایتی با دستپاچگی به مترجم روسی ایران گفت ترجمه نکن، اما مترجم فارسی گورباچف موضوع را منتقل کرده بود، البته آقای گورباچف خیلی از آن جمله هاشمی جا خورده بود. در هر حال قیمت‌های بین‌المللی از سوی آنها پذیرفته شد. من هم ضمن نوشتن یادداشت‌های خود اعلام کردم، آقای گورباچف از موافقت جنابعالی متشکرم؛ یعنی تأکید بر اینکه این موضوع جای چانه‌زنی بعدی ندارد، ولی آن جمله آقای هاشمی که با غیظ در حالی که صورتش سرخ شده بود، گفت و گورباچف جا زد و بلافاصله پذیرفت، خاطره شیرینی بود و موضوع طبق برنامه‌ریزی قبلی من و آقای هاشمی نتیجه داد.



در زمان مسئولیت من وزارت اقتصاد خیلی فعال شده بود و من جلسات پیگیری مصوبات را شخصاً و با دعوت از معاونین وزارتخانه‌ها انجام می‌دادم. این مطلوب وزارت امور خارجه بود و باعث شد کمیسیون‌های همکاری تعداد قابل ملاحظه‌ای از کشورها را، به وزارت اقتصاد بدهند. ضمناً آقای نخست‌وزیر که جلسات کمیسیون سیاسی را تشکیل می‌داد، در آن جلسه مقرر کرد دبیرخانه ستاد هماهنگی روابط اقتصادی خارجی به وزارت اقتصاد منتقل شود و نام آن، ستاد تنظیم روابط اقتصادی خارجی گذاشته شد. این ستاد با حضور فعال معاون وزیر امور خارجه جواد لاریجانی آغاز به کار کرد و جلسات خود را با قوت ادامه داد و ستاد تنظیم روابط اقتصادی

خارجی با مسئولیت

وزارت اقتصاد و عضویت

وزارت امور خارجه و سایر

وزارتخانه‌های اقتصادی

کشور در وزارت اقتصاد

تشکیل و جایگزین

ستاد هماهنگی روابط

اقتصادی خارجی که قبلاً

در وزارت امور خارجه

تشکیل شده بود، شد



# اولین پروتکل بلندمدت کشور پس از انقلاب

اجلاس مشترک بین ایران و شوروی در مسکو برای انعقاد قرارداد سال ۲۰۰۰ را که اولین پروتکل بلندمدت با کشور خارجی بود، برگزار کردیم که نتایج خوبی هم برای ما به همراه داشت

بلند شدم، مرحوم حسینی شاهرودی گفت: «کجا می‌روی» گفتم: «می‌خواهم مطمئن شوم دبیرخانه چگونه اصلاحات را انجام می‌دهد.» گفتم: «بیچاره‌شان کردی بس است.»

## جوسپاسی ترکیه خیلی ضد مذهبی بود؟

بله، حکومت نظامیان بود که سابقه کودتاهای تاریخی و سلطه درازمدت داشته و ارتباط وثیقی با امریکایی‌ها داشتند. اتفاقاً همان موقع وقتی در ترکیه بودیم در میهمانی که رئیس جمهور ترکیه به افتخار اجلاس کنفرانس اسلامی داده بود شرکت کردیم. در لابی محل میهمانی که همه چند دقیقه‌ای با هم صحبت می‌کنند، به شوخی و مزاح به آقای سعیدی‌کیا گفتم: «امروز دین خود را از دست خواهیم داد!» گفت: «چطور؟ چه شده مگر؟» گفتم «مشروب سررو می‌کنند.» دیدم دستپاچه شد و گفت: «مطمئن و خبر قطعی داری؟» گفتم: نه، ولی حدس می‌زنم. آقای سعیدی‌کیا و آقای متکی سفیرمان در ترکیه را صدا زد و گفت: ترک‌ها چه برنامه‌هایی برای میهمانی امشب دارند؟ متکی رفت پرس‌وجو کرد و برگشت به ما اطلاع داد: «بله، مشروب و آواز جزو برنامه شام امشب است.» هر دو دستپاچه شده بودند. پیشنهاد دادم برویم با تورگوت اوزال نخست‌وزیر و همچنین رئیس جمهور ترکیه سلام و احوالپرسی کنیم و سپس بی‌سر صدا

در شماره‌های قبلی ایران اقتصادی، ضمن انتشار بخش‌های نخست جلد دوم کتاب محرمانه‌های اقتصاد ایران، اظهارات محمد جواد ابروانی؛ وزیر اقتصاد سال‌های ۶۴ تا ۶۸ مرور شد. وی در کتاب به نحوه شکل‌گیری جریان‌های جدید اقتصادی پس از انقلاب در برخی بخش‌های اقتصادی از جمله بانک‌ها و وزارت بازرگانی، نحوه تأمین ارز، رایزنی با کشورها برای فعالیت‌های بین‌المللی اقتصادی ایران، نحوه تعامل وزارت اقتصاد و بانک مرکزی در آن دوره پرداخت. همچنین ابروانی به مسائل مربوط به زمینه‌سازی برای اسلامی شدن بانک‌ها و تغییر قوانین در نظام بانکی پرداخت و برخی تعاملات و اختلافات با مجلس آن روزها را نیز تشریح کرد. در شماره امروز مباحثی پیرامون ستاد هماهنگی روابط اقتصادی خارجی و گسترش روابط با سایر کشورها مطرح شده است.

در فرودگاه استانبول به جای وزیر اقتصاد، وزیر آموزش و پرورش ترکیه از من استقبال کرد. البته از من عنذرخواهی کرد و گفت که وزیر اقتصاد مشغول امور اجلاس است و نتوانست به فرودگاه بیاید. به‌ویژه گفتم مسئولیت شما چیست؟ گفت من در اصل وزیر دفاع ترکیه هستم، ولی به من وزیر آموزش و پرورش می‌گویند. گفتم «چطور؟ گفت: «سربازان و افسرانی که در آینده از کبان ترکیه و اسلام دفاع خواهند کرد من آنها را تربیت خواهم کرد.» فهمیدم زیر پوست نظام میلیتاریستی خبرهایی است. در این سفر با مرحوم حسینی شاهرودی رئیس کمیسیون اقتصاد مجلس و مهندس سعیدی‌کیا وزیر راه که برای برنامه اقدام ارتباطات کمیته دائمی آمده بود، همراه بودیم.

در افتتاحیه اجلاس، ژنرال کنعان اورن رئیس جمهور ترکیه هنگام قرآن خواندن شرکت نکرد. او فردی ضد مذهب و سکولار بود. یادم هست قاری که قرآن تلاوت می‌کرد، قرائتش را با آیه «الای»

می‌توانید توضیح بیشتری در مورد بانک توسعه اسلامی بدهید؟

سازمان کنفرانس اسلامی کمیته‌ای به نام کمیته دائمی همکاری‌های تجاری اقتصادی دارد که مرکز آن در استانبول ترکیه است. بانک توسعه اسلامی نیز یکی از نهادهای برخاسته از کمیته مذکور است که کشورهای عضو سازمان می‌توانند به عضویت بانک مذکور درآیند، بنابراین هدف آن، توسعه و هم‌افزایی همکاری‌های اقتصادی بین کشورهای اسلامی و نیز جوامع اسلامی کشورهای غیراسلامی است. کمیته مذکور برنامه‌های اقدام گوناگونی دارد که در هر اجلاس یکی از آنها در دستور کار قرار می‌گیرد.

## آیا در جلسه کمیته دائمی شرکت داشتید؟

بله، اتفاقاً اولین بار با دکتر محمدعلی رئیس بانک توسعه اسلامی در همان اجلاس دیدار داشتم. سفر جالبی بود.

از ساختمان خارج شویم. همین‌طور هم شد. آقای اوزال خیلی استقبال کرد و قرار جلسه فردا را با وی گذاشتیم. درباره اوزال این را بگویم که وی فارغ‌التحصیل دانشگاه هاروارد بود و همواره اجرای مالیات بر ارزش افزوده در ترکیه را افتخار خود می‌دانست که انصافاً کار اقتصادی بسیار بزرگ و اساسی بود. پس از دیدار با اوزال، نزد کنعان اورن رفتیم و با او هم سلام و علیک کردیم. به دوستان گفتم: «هر کاری کردم معطل نکنید شما هم انجام دهید.» انگلیسی نمی‌دانست، ابتدا دست و پا شکسته یکی دو لغت تعارفی به زبان آذری خوش و بش کردیم و با دست ما را به سمت سالن میهمانی تعارف کرد. خودم را به تعافل زدم و برعکس با شتاب از سوی دیگر به طرف خروجی ساختمان برگشتم. آقای سعیدی‌کیا نیز همین‌طور بعد از من آمد. اورن که تعجب کرده بود دیگر دست متکی را رها نکرد. خلاصه متکی به زحمت خود را از دست او خلاص کرد. وقتی به خروجی ساختمان رسیدیم انبوه عکاسان و فیلمبرداران آنجا ایستاده بودند.

از ما سؤال کردند چه شده و کجا می‌روید؟ از آنجا که وقت نماز مغرب بود گفتیم: می‌رویم نماز بخوانیم و خلاصه میهمانی را ترک کردیم. فردای آن روز در صفحه اول روزنامه «حریت» عکس رنگی هر سه ما را با هم هنگام خروج از میهمانی انداخته بودند. یادم هست آن روزنامه تا تیر درشت نوشته بود: «Mulla Skandals!» یعنی توطئه ملاها و توضیح داده بود که هیأت ایرانی به بهانه نماز در جلسه میهمانی که در آن مشروبات الکلی و رقص و آواز بود، شرکت نکردند. لذا معتقدم اگر میلیون‌ها دلار خرج می‌کردیم چنین تبلیغی به نفع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نمی‌توانستیم انجام دهیم. در حالی که آنها فکری می‌کردند که افشاکاری علیه ما انجام داده‌اند. از همان زمان شکل‌گیری تفکر اسلامی از درون، مظاهر بی‌دینی و فساد در ترکیه مشهود بود. در جوامع اسلامی افراط در سرکوب ارزش‌های اسلامی، خود موجب احیای این ارزش‌ها می‌شود.